گزارش «جوان» از ترویج فرهنگ شهدا در گوشه‌ای از یک خیابان شلوغ

# این پیاده‌رو پنج‌شنبه‌ها بوی شهدا می‌گیرد

■ علیرضا محمدی

**غروب سرد آخرین پنج‌شنبه دی‌ماه به صورت اتفاقی با ایستگاه صلواتی یکی از پایگاه‌های بسیج منطقه ۱۷ تهران روبه‌رو می‌شوم. در آن سرمای هوا و در این گوشه از خیابان ۲۰ متری ابوذر که شلوغی‌اش شب و روز نمی‌شناسد، شنیدن سرودی در رثای حاج قاسم و دیدن تصاویر شهدا روی دیوارهای پایگاه، ناخودآگاه رهگذران را جذب می‌کند. اینجا از سرمای هوا خبری نیست؛ نه به واسطه لیوان چایی که توزیع می‌شود، به واسطه یاد و خاطره شهدا که با کمترین امکانات و ساده‌ترین شیوه‌ها ترویج می‌شود.**

■■■

■ **نوری در شلوغی**

۲۰ متری ابوذر در شلوغی و سروصدا چیزی از خیابان‌های اصلی شهر تهران کم ندارد. من که از شلوغی گریزانم، پیاده‌روی این خیابان را با سرعت طی می‌کنم تا خودم را به زیارتگاه پنج شهید گمنام در نقطه‌ای از همین خیابان برسانم. هدفم زیارت مزار شهداست، اما ۱۰۰ متر مانده به این گلزار، با ایستگاه صلواتی روبه‌رو می‌شوم که صرفاً چای توزیع می‌کند. در این شلوغی و سروصدا، حسی موج می‌زند که آدم را جذب خود می‌کند. «نوری در شلوغی» تعبیری است که با دیدن ایستگاه صلواتی به ذهنم خطور می‌کند. شاید این حس به خاطر سرودی است که در رسای حاج قاسم پخش می‌شود یا شاید به خاطر تصاویر شهدا که روی دیوارهای جانبی ایستگاه صلواتی چشم‌نوازی می‌کند.

■ **ختم قرآن به نیت شهدا**

در میان تصاویر شهدا، چهره شهیدان محمد حمیدی، مسعود عسگری و علی یزدانی به چشمم آشناتر می‌آیند. همگی از شهدای مدافع حرم محله فلاح (منطقه۱۷) هستند که بعد از شهادت‌شان گفت‌وگویی با خانواده‌های‌شان داشتیم. کنار تصاویر شهدا، جعبه‌ای چوبی نصب شده که صفحات قرآن روی آن قرار دارد. یک بخش مخصوص صفحات خوانده شده است و بخش دیگر برای صفحات خوانده نشده، بالاتر از جعبه چوبی روی یک تابلو نوشته شده است: «طرح ختم قرآن، تلاوت یک صفحه قرآن به نیت ۱۴ معصوم و ارواح طیبه شهدا و حضرت امام و اموات.»

■ **مشهد شهدا**

لیوانی چای می‌گیرم و روی یکی از صندلی‌های رو به روی ایستگاه صلواتی می‌نشینم. دو نکته توجهم را جلب می‌کند؛ یکی وجود خانم‌ها و آقایانی است که شاید از ظاهرشان فکر کنی هم عقیده‌ات نباشند، اما اغلب آنها علاوه بر نوشیدن چای، یک برگه از قرآن‌ها را برمی‌دارند و به نیت شهدا مطالعه می‌کنند. نکته دیگر، همجواری ایستگاه صلواتی با ضریحی است که به یاد محل شهادت سه بسیجی «رضا چوگانیان، احمد پادبان و حسن اسدی» در این نقطه از پیاده‌رو نصب شده است. پیشتر گزارشی درخصوص مشهد شهدا منتشر کرده بودیم که در اول تیر ۱۳۶۲ وقتی که شهید حسن اسدی مشغول آموزش نظامی به نوجوانان بسیجی بود، یکی از نوجوان‌ها اشتباهاً ضامن نارنجک را می‌کشد و شهید اسدی با ایثارگری، نارنجک را بین دو دستش می‌گیرد و روی آن خم می‌شود، اما پس از انفجار، علاوه بر او ترکش‌های حاصله باعث شهادت رضا چوگانیان و احمد پادبان نیز می‌شود. سال‌ها بعد بسیجی‌های پایگاه شهید آیت‌الله دستغیب که واقعه انفجار نارنجک در پایگاه آنها صورت گرفته بود، یادمانی را در محل شهادت این سه بسیجی درست می‌کنند که اکنون به شکل ضریحی جلوه‌نمایی می‌کند.

> این ایستگاه بهانه‌ای است برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا و ترویج ارزش‌هایی مثل حجاب و راه و رسمی که شهدا به خاطر آن رفته‌اند. ما نام ایستگاه صلواتی را که در تمام طول سال شامگاه پنج‌شنبه‌ها برپا می‌شود «پنج‌شنبه شهدایی» گذاشته‌ایم

■ **پایگاهی که قبلاً کاخ جوانان بود!**

جلو می‌روم و خودم را به آقایی که چای توزیع می‌کند معرفی می‌کنم. یادش می‌آید که گزارش مشهد شهدا را هم روزنامه «جوان» منتشر کرده بود. دعوتم می‌کند به داخل پایگاه بروم. «پایگاه شهید آیت‌الله دستغیب» جزو چند پایگاه‌های نمونه تهران است. این مورد را از قبل می‌دانستم. در ورودی پایگاه درست کنار ایستگاه صلواتی است و این ایستگاه را هم بچه‌های همین پایگاه راه‌اندازی کرده‌اند. ساختمان پایگاه شهید آیت‌الله دستغیب در بخشی از کانون ابوذر قرار دارد که زمان شاه به عنوان کاخ جوانان فعالیت می‌کرد. جالب است بخشی از کاخ جوانان سابق اکنون محل فعالیت بسیجی‌ها شده و سه تن از همین بسیجی‌ها هم سال ۶۲ در اتاق آموزش پایگاه به شهادت می‌رسند.

■ **پنج‌شنبه‌های شهدایی**

حسن فاطمی، فرمانده پایگاه بسیج آیت‌الله دستغیب است. دقایقی در اتاقی که نام آن را فانوس گذاشته‌اند، می‌نشینیم و گفت‌وگویی می‌کنیم. فاطمی با اشاره به ایستگاه صلواتی می‌گوید: «این ایستگاه بهانه‌ای است برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا و ترویج ارزش‌هایی مثل حجاب و راه و رسمی که شهدا به خاطر آن رفته‌اند. ما نام ایستگاه صلواتی را که در تمام طول سال شامگاه پنج‌شنبه‌ها برپا می‌شود «پنج‌شنبه شهدایی» گذاشته‌ایم. تصاویر شهدا را کنار ایستگاه نصب می‌کنیم و همان یک لیوان چای یا پذیرایی مختصری که گاهی به آن اضافه می‌شود، محفلی را پدید می‌آورد تا برای دقایقی هم که شده، مردم این محله با شهدا انس بگیرند و یاد و خاطره آنها در دل‌شان زنده شود.»

فاطمی درخصوص طرح ختم قرآن نیز می‌گوید: «جالب است اغلب افرادی که برای صرف چای دقایقی توقف می‌کنند، یک برگه از قرآن‌ها را برمی‌دارند و به نیت شهدا قرائت می‌کنند. همانطور که خودتان هم دیدید، شاید بعضی از آنها ظاهرشان طوری باشد که احساس کنیم با این مسائل بیگانه باشند، اما اتفاقاً همین افراد بیشتر جذب برنامه‌های ما می‌شوند. حتی گاهی همین افراد نذورات خودشان را مثل قند یا چای به ما می‌دهند تا به نیت شهدا پخش کنیم.»

■ **نقاشی حاج قاسم**

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که پایگاه شهید آیت‌الله دستغیب انجام می‌دهد، برپایی مسابقه نقاشی (با موضوع شهدا)، نمایشگاه حجاب و عفاف و برنامه‌های دیگری است که همگی در مناسبت‌های ویژه مثل شهادت حضرت زهرا(س)، ماه محرم با محوریت ایستگاه صلواتی انجام می‌گیرند. در یکی از همین مسابقه‌های نقاشی یکی از نوجوان‌های محله تصویر بسیار زیبایی از حاج قاسم را طراحی می‌کند که مورد توجه همگان قرار می‌گیرد. فاطمی می‌گوید: «از مسابقه نقاشی گرفته تا تبیین ارزش‌ها، ترویج حجاب و عفاف، سیره شهدا همه این فعالیت‌ها درست روبه‌روی همین ایستگاه صلواتی و در پیاده‌رو انجام می‌گیرند. در بحث حجاب سعی می‌کنیم فلسفه حجاب را از منظر فیلسوفان و چهره‌های سرشناس جهانی و حتی غربی مطرح کنیم. هدایایی هم در خلال این برنامه‌ها به مردم می‌دهیم تا به فرموده حضرت آقا سعی کنیم اگر جوانی دچار وسوسه‌شده است از راه تبیین و تشویق او را متوجه ارزش‌ها بکنیم.»

■ **مشهد شهدا و یک درخواست**

فرمانده پایگاه آیت‌الله شهید دستغیب به تأثیرگذاری مشهد شهیدان اسدی، چوگانیان و پادبان روی برنامه‌های فرهنگی این پایگاه می‌پردازد و می‌گوید: «یکی از دلایلی که باعث می‌شود برنامه پنج‌شنبه‌های شهدایی بیشتر تأثیرگذار باشد، قرارگرفتن ایستگاه صلواتی و برنامه‌های ما در کنار مشهد شهدای این پایگاه است. فضای ملکوتی که این مشهد ایجاد کرده، باعث شده مردم بیشتر با این برنامه‌ها انس بگیرند.»

وی می‌افزاید: «متأسفانه در فصول بارانی یا فصل تابستان که آفتاب اذیت‌کننده است، چون در فضای پیاده‌رو برنامه اجرا می‌کنیم، با مشکلاتی روبه‌رو می‌شویم. بنابراین از شما می‌خواهم صدای ما را به گوش مسئولان برسانید تا در صورت امکان محیط پیاده‌روی روبه‌روی پایگاه را مسقف کنند تا مردم در شرایط جوی مختلف اذیت نشوند و راحت‌تر بتوانند از برنامه‌های فرهنگی پایگاه استفاده کنند. این ضریحی که در مشهد شهدا نصب شده با همت خود بسیجی‌های این پایگاه و با هزینه شخصی نصب شده است.»

■ **فعالیت واحد خواهران**

یک نکته جالب درخصوص پایگاه آیت‌الله شهید دستغیب حضور مادران بسیجی‌های حاضر در این پایگاه است که به صورت داوطلبانه، بدون اینکه عضو بسیج باشند، واحد خواهران پایگاه را راه‌اندازی کرده‌اند. واحد خواهران با تهیه هدایایی مثل جاشمعی‌ها و آویزهایی که یاد شهدا در آن نمایان است، آنها را به خانم‌های منطقه هدیه می‌دهند و سعی در جذب آنها دارند. یک جاشمعی و کتابی از بیانات و خطبه‌های مولا علی(ع) هدیه‌ای است که از پایگاه بسیج آیت‌الله شهید دستغیب دریافت می‌کنم و این حسن ختامی می‌شود بر گزارشی که لیوانی چای و نگاه‌های خیره شهدا از پس تابلوهای تصاویرشان باعث و بانی آن بودند. از در پایگاه خارج می‌شوم، ایستگاه صلواتی هنوز به کار خودش ادامه می‌دهد. خیابان ابوذر همچنان شلوغ است و من به این نکته فکر می‌کنم که به جای صرفه مخارج هنگفت در برخی از نهادهای فرهنگی، چقدر ساده می‌توان از طریق همین پایگاه‌های بسیج گسترش یافته در سطح جامعه با کمترین امکانات و ساده‌ترین شیوه‌ها، با جوان‌ها و نوجوان‌ها ارتباط گرفت و آنها را جذب ارزش‌ها کرد.

بسیجی‌های پایگاه آیت‌الله شهید دستغیب در اتاقک ایستگاه صلواتی

گفت‌وگو

## سفر دهها کیلومتری برای سقایی رزمنده‌ها

### خاطراتی از آبرسانی به رزمنده‌ها در دشت آزادگان در گفت‌وگوی «جوان» با نیروی جهاد سازندگی

■ غلامحسین بهبودی

**اوایل جنگ نوجوان‌هایی که سن و سال کمی داشتند، در جهاد سازندگی یا امور پشتیبانی فعالیت می‌کردند. سیدمرتضی موسوی که اوایل سال ۶۰ به عنوان پشتیبانی در جهاد مشغول بود، خاطرات زیبایی از آبرسانی به رزمنده‌ها دارد که در گفت‌وگو با ما بیان داشته است.**

■■■

اردیبهشت سال ۱۳۶۰، به اتفاق شهیدان مهدی جانقربان، مجید پرورش، نجارزادگان و برادر وندایی و برادر دقاق‌زاده، از طرف ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ جهاد استان اصفهان به خوزستان اعزام شدیم. مهندس مظاهری مسئول ستاد، من را در واحد آبرسانی به خطوط مقدم انتخاب کرد. شب‌ها تانکر آبرسانی جهاد سازندگی استان اصفهان را در اهواز آبگیری و صبح زود بعد از نماز صبح به سمت جاده سوسنگرد و دشت آزادگان می‌بردیم.

راننده باصفا و خوش‌برخورد تانکر برادر مهرعلیان بود و من به عنوان آبرسان، با پشت‌سر گذاشتن حدود ۵۵ کیلومتر خودمان را به شهر سوسنگرد رساندیم. آن زمان دو طرف جاده آسفالته اهواز را به سوسنگرد آب گرفته بود. در هر چند ۱۰۰ متر، جاده را شکافته و لوله‌گذاری کرده بودند تا آب در هر دو طرف جاده در دشت پهناور آزادگان گسترش یابد. با نزدیک‌شدن به روستای حمیدیه که در ۳۵ کیلومتری اهواز قرار داشت، تانک‌ها و نفربرهای دشمن در سمت راست جاده به واسطه به آب انداختن دشت، با ابتکار دکتر مصطفی چمران تا کمر به گل فرو رفته بودند. با این تاکتیک جلوی پیشروی زرهی و نیروهای ارتش بعث عراق به سمت شهر اهواز گرفته شده بود!

به محض رسیدن به سوسنگرد، ابتدا تانکر آبرسان باید وارد جاده آسفالته سوسنگرد- هویزه می‌شد. بعد از طی کردن چندین کیلومتر، از جاده آسفالته خارج و از سمت چپ وارد جاده خاکی می‌شدیم تا خودمان را به خط مقدم برادران ارتش برسانیم. صبح اول وقت باید تمام تانکرهای خط اول و حتی دبه‌های برادران ارتش را سنگر به سنگر پر از آب می‌کردیم. بعد از آبرسانی به برادران ارتش که در خط مقدم جلوی پیشروی ارتش بعث عراق را گرفته بودند، خودمان را به محل استقرار آتشبارها و توپخانه ۱۵۵ ارتش می‌رساندیم.

عراقی‌ها با مشاهده تانکر آبرسان به طرف ما موشک مالیبوتکا یا همان موشک هدایت شونده شلیک می‌کردند. همین‌طور با گلوله‌های خمپاره ۱۲۰ از ما حسابی استقبال می‌کردند، اما برادر مهرعلیان راننده تانکر بدون توجه به آتش دشمن، به راهش ادامه می‌داد و لحظه‌ای در رساندن آب به رزمندگان اسلام تردید نمی‌کرد. ترکش‌ها فرفرکنان از کنار ما عبور می‌کردند. انگار قسمت و مشیت ما بر آن بود تا در زیر آتش دشمن سالم بمانیم و سقای دشت آزادگان باشیم.

هوا به شدت گرم و آفتاب خوزستان سوزان بود. برادران ارتشی هر روز با درست کردن و آوردن شربت‌های تگری از ما پذیرایی می‌کردند. خصوصاً از من که آن زمان سن و سال زیادی نداشتم، عزیزان ارتشی گاهی به نصیحت به من می‌گفتند شما که سن‌تان کم است، وظیفه ندارید به جبهه بیایید، اما من با لبخند از آنها تشکر می‌کردم و می‌گفتم من به امر و دستور حضرت امام خمینی(ره) داوطلبانه به جبهه آمده‌ام. خلاصه بعد از رساندن آب به خط مقدم، به مواضع توپخانه ارتش می‌رفتیم و سپس وارد شهر سوسنگرد می‌شدیم تا مجدد آبگیری کنیم. حمام صلواتی مشهدی حسن، از اهالی نجف‌آباد که با آب گرمش پذیرای هر روز رزمندگان اسلام بود، وظیفه دیگر روزانه ما بود. هر روز ناهار را در ساختمان سپاه سوسنگرد یا در کنار مشهدی حسن حمامی صرف می‌کردیم.

یادم است روز آخر خردادماه و زمانی که برای رفع خستگی و کمی استراحت بعد از ساعت‌ها آبرسانی خودمان را به سپاه سوسنگرد رساندیم، آمبولانسی جلوی سپاه ایستاد و تعداد زیادی از رزمندگان اعم از ارتشی، سپاهی و نیروهای مردمی و نامنظم در اطراف آن تجمع کردند و به سر و صورت‌شان زدند! آنجا بود که خبر شهادت سردار سرافراز اسلام دکتر مصطفی چمران را شنیدیم. جنازه مطهر دکتر چمران هنوز داخل آمبولانس بود و رزمندگان در حال وداع با دکتر چمران بودند. آن روز برای همه رزمندگان اسلام بسیار سخت گذشت! زیرا فرمانده شجاع، دلاور و سرداری وفادار به امام و امت را از دست داده بودند.

دکتر مصطفی چمران توانست با طرح‌های بی‌نظیر، عملیات‌ها و شبیخون‌های شبانه، دشمنی که قصد گرفتن کل خوزستان را داشت، متوقف کند. چمران با حضور مستقیم خود در میادین نبرد، علاوه بر ایجاد وحدت و تعامل با فرماندهان غیور ارتش، سپاه و جهاد سازندگی، ستاد جنگ‌های نامنظم را راه‌اندازی و با همکاری گروه‌های چریکی دیگر مانند گروه شهید علی غیور اصلی و شهید تجلایی، جلوی پیشروی ارتش بعث عراق برای رسیدن به شهر اهواز را بگیرد. سرانجام ایشان در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در خط مقدم دهلاویه به ندای هل من ناصر ینصرنی حسین زمان لبیک گفت و به مقام شهادت نائل آمد.

## جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۸۴

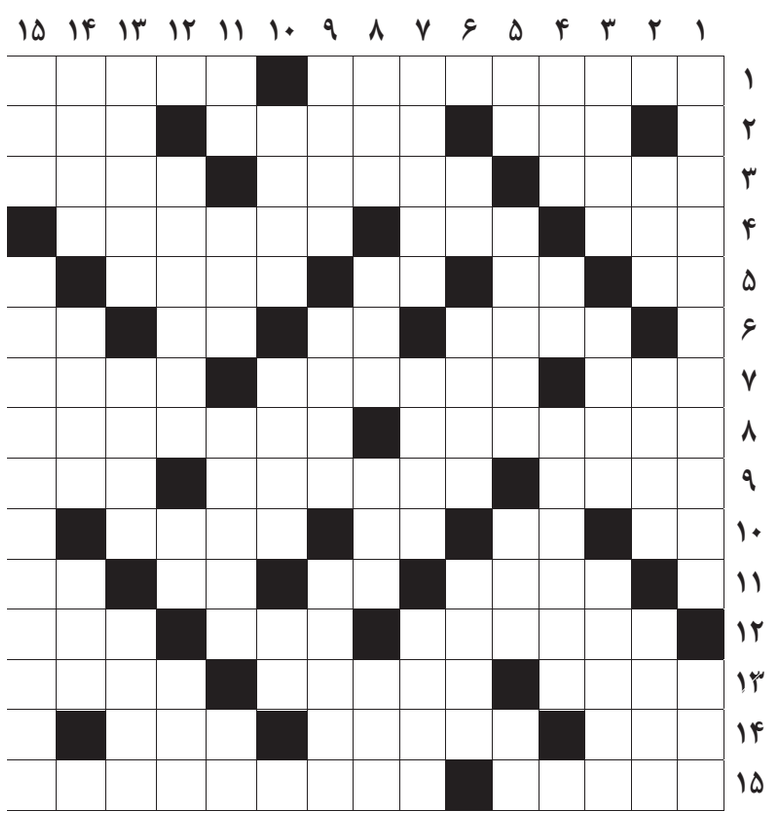

### از راست به چپ

■ ۱-از گیاهان دارویی- کارگردان بنهور، یکی از ده فیلم برتر سینما ■ ۲-نوعی زمین مسابقه تنیس- هواپیمای جاسوسی امریکا- صدا و آواز ■ ۳- رفت و آمد- دلالت شده- منگوله ■ ۴- زمین آماده برای کشت- یک صدم دلار- سنگ کبود ■ ۵-باران اندک- اندام گام!- معاون فراری هیتلر- پیش ... ملق بازی! ■ ۶-نوعی خوراکی رقیق متشکل از شیر، آرد و برنج- جوی خون- بنده و شما- چه کسی ■ ۷-قسمتی در پا- دزدی و چپاول- نخستین تانک پیشرفته بومی کشور ■ ۸-به صورت سری- جمع کردن ■ ۹-جانداری تک سلولی- برتری داشتن- نوشته های کتاب ■ ۱۰-جنس قوی- غذای نذری- درون چیزی- لافزن ■ ۱۱-آرامش- لخت- مرتجع لاستیکی- طاقچه ■ ۱۲-مادر امام محمدتقی(ع)- علامت فعل استمراری- اولین ماه گرم ■ ۱۳-مشکی- تم- سبزی سالاد ■ ۱۴-سوراخی در شکم- طلاق از دور!- دشمن درخت ■ ۱۵-در دل افکندن- تعدی به حقوق دیگران

### از بالا به پایین

■ ۱- معالجه بیماران روانی از راه حرف زدن- مجلس بزرگان ■ ۲-محاسن- دریایی در غرب عربستان- وهم و گمان ■ ۳-تفریح و هواخوری- هر چیز ارتجاعی- ریخت و شکل ■ ۴-از صور فلکی- انباشته- جنگیدن ■ ۵-علامت پیروزی- خرس چینی- جریان بار الکتریکی- اندوه ■ ۶-سه کیلو- از بخش‌های کتاب اوستا- کاشف الکل ■ ۷-کاسه بزرگ مسی- افترا- سمبل ■ ۸-از نام های خدا- فلز آلوده کننده هوا- مسافرت دسته جمعی- خشکی ■ ۹-کشتی جنگی با حرفی اضافی- نژاد نوعی سگ- شادباش گفتن ■ ۱۰-پرنده جاسوس- نمایشنامه غم انگیز- ماه شاعرانه ■ ۱۱-وارونه سو- واحد شیشه- پنهانی و مخفیانه- هزار کیلو ■ ۱۲-از شهرهای ژاپن- آشیانه پرنده- جگر ■ ۱۳-کمک کردن- سفیدپوست- ستاره ■ ۱۴-ظرف مسی بزرگ- مقوای دعوت- شش ■ ۱۵- حرف نگفتنی- مغازه قنادی

### جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | | | ۲ | | ۵ | | | ۱ |
| ۲ | | ۱ | | | | ۳ | | ۸ |
| | | | | ۹ | | | | ۶ |
| | | | ۸ | ۵ | | | | |
| | | ۳ | | | | ۹ | ۴ | |
| | ۹ | ۷ | | | | | | |
| | | | ۹ | | ۳ | ۱ | | |
| ۱ | ۳ | | | | ۴ | | | |
| | | | | | | ۲ | ۵ | |

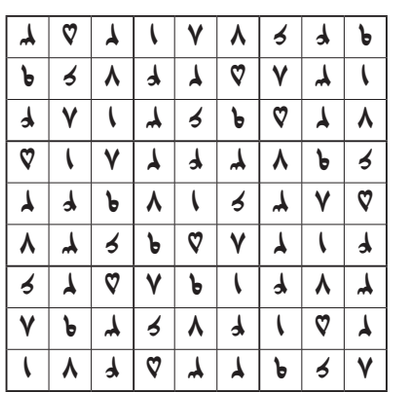

### جدول کلمات متقاطع
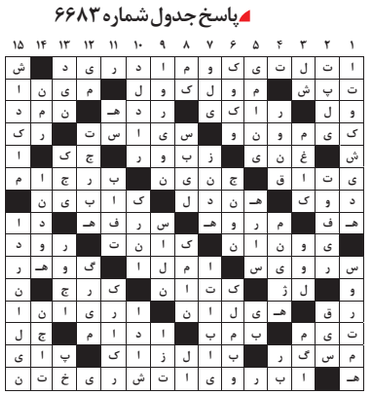
پاسخ جدول شماره ۶۶۸۳